

سال‌نمای امنیت ملی
جمهوری اسلامی ایران
تحولات راهبردی ۱۳۹۲
چشم‌انداز ۱۳۹۳

زیر نظر شورای نویسندگان



شبکه‌های ماهواره‌ای فارسی زبان

مقدمه

فناورری‌های نوین ارتباطی، همواره زمینه‌ساز موضوعات جدیدی در عرصه سیاست و امنیت بوده‌اند. نقش این فناوری‌ها در تحولات اجتماعی، فرهنگی و سیاسی اجتناب‌ناپذیر و قابل توجه بوده‌است. با گذشت بیش از یک دهه از ظهور اولین شبکه ماهواره‌ای فارسی‌زبان، این پدیده رسانه‌ای، همچنان از جمله مهم‌ترین چالش‌های پایدار مرتبط با امنیت در جمهوری اسلامی ایران به شمار می‌رود.

در شرایطی که قانون ممنوعیت استفاده از تجهیزات ماهواره‌ای در داخل کشور همچنان به قوت خود باقی است، وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی اظهار نظری رسانه‌ای مبنی بر گرایش هفتاد درصدی جامعه به استفاده از شبکه‌های ماهواره‌ای می‌نماید. سوای اینکه این اظهار نظر تا چه حد مبتنی بر داده‌های قابل اعتماد و واقعی‌ست و چه احتمالاتی در انگیزه اصلی یا جانبی از طرح آن متصور است، بیان چنین مسأله‌ای از زبان مقام عالی‌رتبه فرهنگی که قانون ممنوعیت استفاده از تجهیزات ماهواره‌ای وظایفی را برای او تعیین نموده است، حکایت از ایفای نقش غیرقابل انکار و اغماض شبکه‌های ماهواره‌ای فارسی‌زبان در جامعه امروز ایرانی دارد.

به رغم وجود تنوع نسبی در گونه‌های مختلف شبکه‌های ماهواره‌ای فارسی‌زبان، به نظر می‌رسد اهداف آنها به ویژه در دو عرصه سیاسی و فرهنگی، تابع هماهنگی و وحدت رویه‌ای هدفمند است. چالش‌های ناشی از رفتار شبکه‌های ماهواره‌ای فارسی‌زبان از دامنه گسترده‌ای برخوردار است. یکی از وجوه اصلی این چالش‌ها، رفتار خبری و اطلاع‌رسانی شبکه‌ها در برابر جمهوری اسلامی است. موضوع مهم دیگر، به چالش کشاندن هنجارهای اسلامی-ایرانی و تلاش برای جایگزین نمودن هنجارها و سبک زندگی بیگانه در مردم است. تهاجم علیه بنیه‌های

فکری- اعتقادی و تشدید شکاف‌های قومی و مذهبی، چالشی است که به طور معمول از سوی شبکه‌های تفرقه‌افکن قوم‌گرا و مذهبی دنبال می‌شود.

به نظر می‌رسد جز در مواقعی که کشور در معرض رخدادی حساس و تعیین‌کننده - مثل انتخابات ریاست جمهوری یا مذاکرات هسته‌ای- قرار دارد و احساس نیاز عمومی برای آگاهی بیشتر از رویکردها و ابعاد جدید آن افزایش می‌یابد، گرایش اصلی مخاطبان شبکه‌های ماهواره‌ای فارسی‌زبان در داخل کشور همچنان متمرکز بر شبکه‌های ضد فرهنگ عمومی است.

برآورد ۱۳۹۲

یکی از مسائل چالش‌برانگیزی که همواره ذهن مدیران و تصمیم‌گیران جامعه، دستگاه رسانه‌ای بیگانه، جریان‌های مخالف رسانه‌ای و حتی در مواردی، عموم مردم را درگیر خود می‌نماید، میزان گرایش و استفاده عمومی از شبکه‌های ماهواره‌ای فارسی‌زبان است. به رغم طرح غیررسمی آمار و ارقام متعدد و متفاوت در این زمینه، کمتر اتفاق افتاده که مسئولین عالی‌رتبه نظام به صورت آشکار و در فضای رسانه‌ای، به ارائه اطلاعات در این زمینه بپردازند و آنچه به طور معمول مشاهده می‌شود، طرح محرمانه اطلاعات اغلب در جلسات تخصصی و غیررسانه‌ای است. اظهار نظر وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی و ارائه رقم کم‌سابقه ۷۰ درصدی در این زمینه، از جمله رویدادهای کم‌نظیر در عرصه فعالیت شبکه‌های ماهواره‌ای فارسی‌زبان بود. از جمله عوارض چنین اظهار نظری، گسترش عرفی‌شدن استفاده از تجهیزات ماهواره‌ای، نادیده گرفته شدن قانون ممنوعیت در این رابطه و افزایش عطش عمومی در استفاده از شبکه‌های ماهواره‌ای است.

این در شرایطی است که برخی نظرسنجی‌های رسانه‌ای قابل اعتنای انجام‌شده در مراکز استان‌های کشور، رقم ارائه‌شده توسط وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی را برای کل کشور تأیید نمی‌نماید.

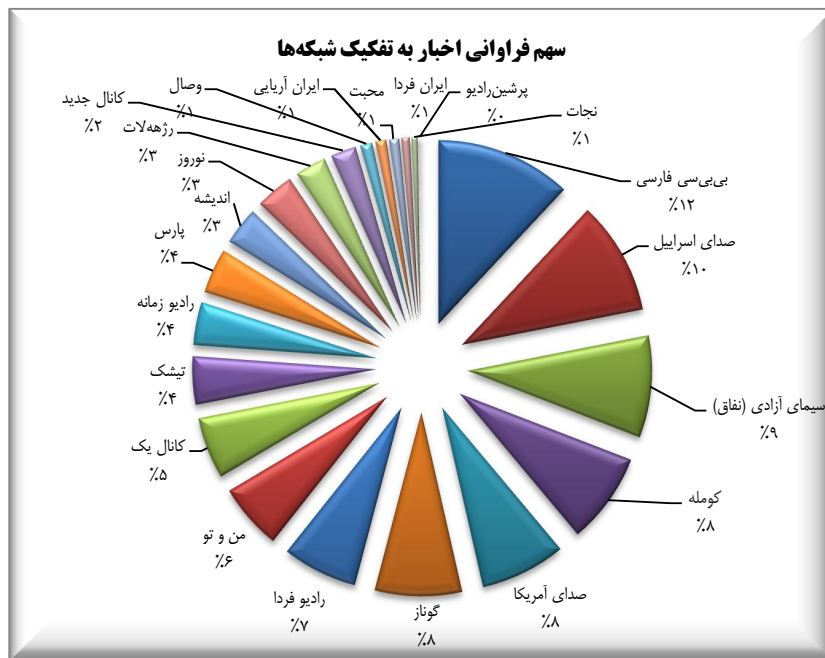
بر اساس نتایج یکی از نظرسنجی‌ها که به تازگی انجام شده، میزان گرایش به استفاده از شبکه‌های ماهواره‌ای در شهر تهران ۵۲ درصد و در سایر مراکز استان‌ها ۴۳ درصد می‌باشد. علاوه بر این، میزان کسانی که در مراکز استان‌ها علاقه‌مند به استفاده از شبکه‌های ماهواره‌ای هستند (و همه آنها دسترسی به شبکه‌ها ندارند)، ۶۸ درصد بوده است. به تعبیر دیگر، حتی اگر شرایط برای علاقه‌مندان استفاده از شبکه‌ها هم فراهم شود، میزان آن به ۷۰ درصد اشاره شده توسط وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی نمی‌رسد.

بررسی رفتار خبری و اطلاع‌رسانی شبکه‌های ماهواره‌ای فارسی‌زبان، مؤید هماهنگی رفتاری انواع مختلف آنها در قبال جمهوری اسلامی بر خلاف تفاوت و تنوع گونه‌ای آنهاست.

به رغم وجود تنوع نسبی در گونه‌های مختلف شبکه‌های ماهواره‌ای فارسی‌زبان، به نظر می‌رسد اهداف آنها به ویژه در دو عرصه سیاسی و فرهنگی، تابع هماهنگی و وحدت رویه‌ای هدفمند است

رصد و محاسبات انجام شده نشان می‌دهد طی بازه زمانی بهمن ماه ۹۱ تا دی ماه ۹۲، حدود پانزده هزار خبر و مطلب پیرامون رخدادها و مسائل گوناگون مرتبط با جمهوری اسلامی ایران توسط ۲۲ شبکه ماهواره‌ای فارسی زبان منتشر شده که سهم هر یک از شبکه‌ها را در نمودار شماره ۱ می‌توان مشاهده نمود. از جمله نکات قابل توجه در این زمینه، سهم ۴۱ درصدی شبکه‌های وابسته به دولت‌ها (BBC فارسی، رادیو اسرائیل، صدای آمریکا، رادیو فردا و رادیو زمانه)، نقش ۲۸ درصدی شبکه‌های وابسته به گروهک‌های ضد انقلاب (سیمای آزادی، کومه‌له، کانال یک، پارس، کانال جدید و ...) و سهم ۱۷ درصدی شبکه‌های قومی (گوناز، تیشک، روزه‌لات و ...) در این جریان است.

ترکیب سهم و نقش گونه‌های مختلف شبکه‌ها در انتشار اخبار و اطلاعات علیه جمهوری اسلامی، احتمال منفی بودن جهت‌گیری مطالب آنان را افزایش می‌دهد. آمار و ارقام به ثبت رسیده از عملکرد شبکه‌های مورد بررسی این پیش‌بینی را تأیید می‌نماید. بر این اساس، جهت‌گیری ۷۹ درصد از مطالب منفی، ۱۵ درصد دوطرفه، ۴ درصد خنثی و ۲ درصد فاقد جهت‌گیری بوده است.



نمودار شماره ۱

تهاجم علیه بنیادهای
فکری- اعتقادی و
تشدید شکافهای
قومی و مذهبی،
چالشی است که به
طور معمول از سوی
شبکه‌های تفرقه افکن
قوم‌گرا و مذهبی
دنبال می‌شود

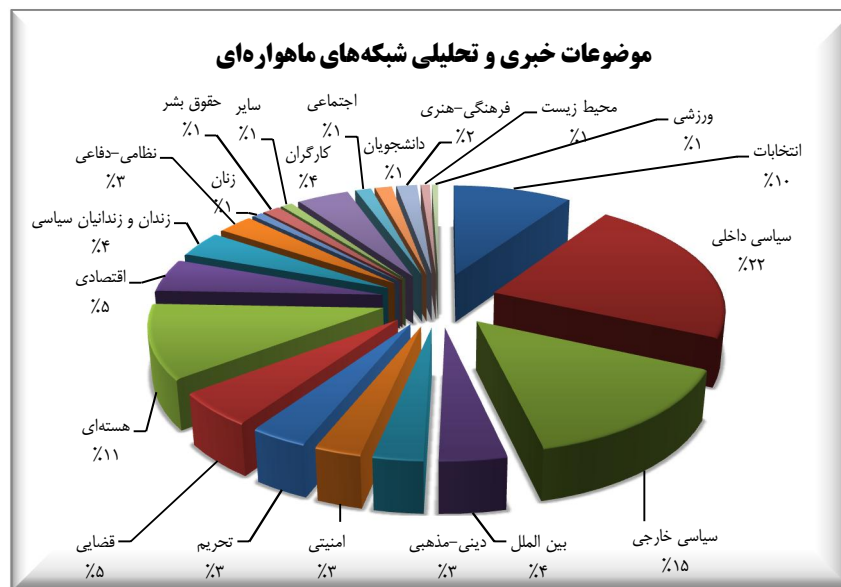
بر اساس نتایج یکی از نظرسنجی‌ها که به تازگی انجام شده، میزان گرایش به استفاده از شبکه‌های ماهواره‌ای در شهر تهران ۵۲ درصد و در سایر مراکز استان‌ها ۴۳ درصد می‌باشد

از دیگر نکات شایان توجه در نمودار شماره ۱، سهم ۶ درصدی شبکه «من و تو» در فرآیند انتشار اخبار و اطلاع‌رسانی است. در شرایطی که این شبکه تحت گونه شبکه‌های ضد فرهنگ عمومی و به تعبیری سرگرم‌کننده قرار دارد، رقم اشاره‌شده حکایت از تلفیق اهداف سیاسی و فرهنگی این شبکه دارد. این وضع در شرایطی از اهمیتی بالاتر برخوردار خواهد شد که برخی نظرسنجی‌ها گویای آن هستند که شبکه مذکور بیشترین مخاطب را در میان بینندگان شبکه‌های ماهواره‌ای در داخل کشور به خود اختصاص داده است.

مهم‌ترین محورهای تحریک‌آمیز و القاگرانه این رسانه‌ها را می‌توان چنین برشمرد:

- افزایش و تشدید اختلاف و شکاف‌های گوناگون سیاسی و اجتماعی
- سیاه‌نمایی در عرصه‌های مختلف به ویژه امنیتی، اجتماعی و اقتصادی
- بزرگ‌نمایی و تشدید نارضایتی‌ها
- زمینه‌سازی افزایش فشارهای بین‌المللی با استفاده از بهانه‌های مختلف مثل حقوق بشر
- تابوشکنی و ترویج عبور از خطوط قرمز نظام
- حمایت از عناصر و جریان‌های مخالف و ضد انقلاب
- تلاش برای ناکارآمد نشان دادن رفتار و تصمیمات جمهوری اسلامی
- ترویج مبارزه منفی
- تخریب دوستان و حامیان جمهوری اسلامی

برگزاری یازدهمین دوره انتخابات ریاست جمهوری و استقرار دولت جدید از جمله رخدادهای مهم و قابل ملاحظه در سال ۱۳۹۲ بود که یکی از محورهای تمرکز رفتاری گونه‌های مختلف شبکه‌های ماهواره‌ای فارسی‌زبان را به خود اختصاص داد. این موضوع از سال گذشته نیز در پیش‌بینی رفتار رسانه‌های بیگانه و به تبع آنها شبکه‌های ماهواره‌ای فارسی‌زبان مد نظر قرار گرفته بود. مروری بر مجموع موضوعات خبری ۲۲ رسانه فارسی‌زبان از بهمن‌ماه ۹۱ تا دی‌ماه ۹۲ نشان می‌دهد در حالی که برگزاری انتخابات از زمان آغاز اولین مرحله (ثبت نام اولیه نامزدهای انتخاباتی) تا آخرین مرحله (تأیید نتیجه انتخابات توسط شورای نگهبان)، حدود ۳ ماه زمان می‌برد، انتخابات به عنوان موضوعی واحد، رتبه دوم موضوعات خبری را به خود اختصاص داده است (نگاه کنید به نمودار شماره ۲). این در حالی است که موضوع هسته‌ای مدت‌هاست به عنوان یکی از مهم‌ترین چالش‌های کشور مطرح می‌باشد و موضوعات سیاسی داخلی و خارجی هر یک دربرگیرنده مسائل مختلف هستند. همچنین، موضوع تحریم‌ها که تقریباً به یکی از موضوعات ثابت و جاری کشور تبدیل شده، در مقایسه با حجم اخبار اختصاصی به انتخابات حجمی کمتر از یک‌سوم را به خود اختصاص داده است.



نمودار شماره ۲

ظهور شبکه جدید سیاسی- خبری چپ گرا با عنوان «نگاه شما»، یکی دیگر از نشانه‌های سرمایه گذاری بیگانگان بر انتخابات ایران بود که در اردیبهشت ماه به وقوع پیوست و تمرکز اصلی رفتار رسانه‌ای خود را بر انتخابات ریاست جمهوری یازدهم قرار داد.

یکی دیگر از مهم ترین موضوعات در رفتار شبکه‌های خبری، اخبار و گزارش‌ها تخریبی بود که شبکه VOA علیه جایگاه نهاد رهبری، رهبر معظم انقلاب و بستگان ایشان تولید و منتشر نمود. به نظر می‌رسد این موضوع به عنوان پروژه‌ای سفارشی در دستور کار این شبکه قرار گرفته و تداوم خواهد یافت. آنچه در مجموع از این روند استنباط می‌شود این است که نظر به محبوبیت بالای رهبری در میان آحاد مردم و نقش بی‌بدیل رهبر معظم انقلاب در ناکام گذاشتن بسیاری از نقشه‌ها و اهداف دشمنان علیه جمهوری اسلامی، دستگاه رسانه‌ای غرب مأمور به تخریب جایگاه و شخصیت رهبری و کاهش محبوبیت و کارآیی ایشان شده است. محور قرار گرفتن مسائل مالی و اقتصادی در نهادهای زیر نظر دفتر رهبر معظم انقلاب و القای بهره‌مندی خانواده ایشان از عواید این فعالیت‌ها، از جمله محورهای اصلی این فرآیند بوده است. به رغم تلاش شبکه VOA برای تظاهر به موفقیت و وجود انسجام درونی، خردادماه سال ۹۲ شاهد جداسازی دو تن دیگر از عوامل این شبکه (نگار مرتضوی، مجری برنامه «روی خط»

ظهور شبکه جدید
سیاسی- خبری چپ گرا
با عنوان «نگاه شما»،
یکی دیگر از نشانه‌های
سرمایه گذاری بیگانگان
بر انتخابات ایران بود
که در اردیبهشت ماه به
وقوع پیوست

و مهشید ندیری) بودیم. نکته قابل ملاحظه این بود که اخبار منتشر شده در تشریح علت جدایی یکی از جدانشدگان، حکایت از حمایت وی از انتخابات در ایران و «جنبش سبز» داشت. صحت این امر کماکان می‌تواند حاکی از تشتت و بلاتکلیفی در مدیریت شبکه مذکور باشد. مشکلات مالی و اختلاف‌ها بین کنگره و دولت آمریکا تاحدودی گریبان‌گیر این شبکه نیز شد و در مهرماه ۹۲ پخش برنامه‌های هفتگی آن برای مدتی متوقف شد.

شبکه BBC فارسی همچون گذشته مبتنی بر اصول حرفه‌ای و مخاطب‌شناسانه، در مقایسه با سایر رسانه‌های معارض با جمهوری اسلامی، بر رفتار تخریبی خود علیه جمهوری اسلامی ادامه داد و با توجه به محدودیت‌های اعمال‌شده از داخل ایران با چالش جمع‌آوری اخبار و استفاده از امکانات و ظرفیت‌های داخل کشور روبه‌روست و همچنان از ترفندهای گوناگون استفاده می‌کند تا عناصر مختلف داخلی را در راستای اهداف رسانه‌ای خود به خدمت بگیرد. در همین راستا، یکی از اقشاری که معمولاً مورد طمع این شبکه قرار دارد، اصحاب فرهنگ و هنر هستند. آنچه از ابتدای راه‌اندازی این شبکه بیش‌تر حس می‌شد، تلاش عوامل شبکه برای دستیابی به آثار مستندسازان داخلی بود.

شاخص‌ترین رویداد در گونه شبکه‌های سیاسی ضد انقلاب، راه‌اندازی شبکه فارسی‌زبان «ایران فردا» با مدیریت علی‌رضا نوری‌زاده و با کمک مالی احتمالی عربستان بود. ظهور این شبکه را از منظری می‌توان گامی دیگر در ادامه ناکامی‌های نوری‌زاده دانست، چرا که بدنامی و سلسله رفتارهای ناشایست وی آنچنان فراگیر شده که اشتهار وی به عنوان عنصری مزدور و کلاهبردار غالب بر شخصیت رسانه‌ای وی شده و کمتر شبکه‌ای تحمل پذیرش او را دارد. به نظر می‌رسد او از سرناچاری دست به راه‌اندازی شبکه زده باشد. تجارب مشابه قبلی گویای آن است که به طور معمول چنین رویدادهایی دوام چندانی نخواهد داشت و پیش‌بینی می‌شود اگر متغیر اثرگذار جدیدی در این روند دخالت نکند، در آینده‌ای نه چندان دور شاهد تعطیلی این شبکه باشیم.

ضیاء آتابای مدیر شبکه NITV - به عنوان اولین شبکه فارسی‌زبان ماهواره‌ای که سال ۷۹ در فضای ایران قابل دسترس شده بود - مهرماه سال ۹۲ اعلام نمود به دلیل مشکلات فنی و مالی، پخش این شبکه برای همیشه متوقف خواهد شد. خاطر نشان می‌شود این شبکه در ابتدای فعالیت خود سعی داشت با تأکید بر اصول اصلاح‌طلبانه خود را به دولت وقت نزدیک کند و از امکانات داخلی کشور بهره‌مند شود. تحولات مختلف داخلی و خارجی مانع از ثبات در تظاهر رفتاری این شبکه شد و ماهیت ضد انقلابی آن به تدریج آشکار و به دلیل ناتوانی در ارائه رفتار حرفه‌ای، دچار ناکامی‌های متعدد و مکرر گردید.

آذرماه سال ۹۲، در حوزه رسانه‌های خبری، نشانه‌هایی از احتمال آغاز فعالیت شبکه خبری

جدیدی با عنوان IR View مشاهده شد که این عنوان می‌توانست گویای تمرکز فعالیت شبکه بر ایران باشد، اما با گذشت زمان این احتمال محقق نشد و نشانه‌های اولیه نیز از بین رفت و فعالیت شبکه محقق نگردید.

از جمله جدایی‌های مهم در شبکه‌های سیاسی توقف همکاری دخی عبدی، مجری باسابقه برنامه «صدای زنان» از شبکه «ایران آریایی» بود. یکی از گرفتاری‌های پردوام در میان جریان‌های مخالف جمهوری اسلامی، اختلاف و ناسازگاری‌های درونی آنها بوده که همواره مانع از بروز انسجام و هم‌افزایی در میان آنان شده است.

ظهور شبکه گُردزبان «روداو» و تمرکز رفتاری آن بر موضوعات فرهنگی مورد اقبال نسبی در میان مناطق گُردنشین مرزهای غربی کشور و به ویژه اقشار فرهنگی – هنری این مناطق قرار گرفته است. این استقبال به گونه‌ای بوده است که میل وافر در اقشار مذکور برای تولید و ارسال آثار فرهنگی – هنری خود به این شبکه ایجاد نموده است. این وضعیت می‌تواند روند تولید آثار فرهنگی مغایر با اهداف نظام را تقویت و سرعت بخشد. علاوه بر این، ظرفیت القائات و بهره‌برداری‌های سیاسی و واگرایانه در دو سوی این تعاملات فرهنگی وجود دارد.

آغاز فعالیت شبکه جدیدی به نام «اهوازنا» در حوزه شبکه‌های قومی و رفتار این رسانه در راستای تحرکات تجزیه‌طلبانه در جنوب کشور، اتفاق جدیدی در تلاش‌های تفرقه‌افکنانه بدخواهان علیه جمهوری اسلامی به شمار می‌رود و ماهیت ضدانقلابی پشتوانه این شبکه که از ابزار قومی استفاده می‌کند را آشکار می‌سازد.

یکی از ویژگی‌های رفتاری شبکه‌های قوم‌گرای عربی این است که در مواردی ابزار ترویج تفکرات افراطی مذهبی نیز قرار می‌گیرند و علاوه بر گرایش‌های قوم‌گرایانه مخرب، در خدمت سیاست شبه‌افکنی نسبت به تفکرات شیعه و ترویج تفکرات افراطی به ظاهر مذهبی نیز هستند.

شاخص اصلی رفتار شبکه‌های دینی کماکان تقابل با تفکر ناب اسلامی – و به تعبیری ظریف‌تر، جلوگیری از ترویج حکومت دینی با الگوی جمهوری اسلامی – است. در این راستا، ترویج عقاید افراطی و تخریب تفکرات شیعی بر عهده شبکه‌های مذهبی (کلمه، وصال و ...) و ترویج ادیان غیراسلامی به عنوان وظیفه شبکه‌هایی چون محبت و اندیشه دنبال می‌شود. این وضعیت، دغدغه‌ها و نگرانی‌هایی را در مناطق جنوبی کشور نسبت به رشد گرایش به تفکرات افراطی و یا ابراز رویگردانی از تشیع افزایش داده است. به نظر می‌رسد راه‌اندازی شبکه عرب‌زبان «لا‌هواز» که ظاهراً با هدف پاسخ به شبهات و مقابله با تردیدافکنی‌ها علیه تفکرات شیعی فعالیت می‌نماید را می‌توان در همین راستا تحلیل نمود. شنیده می‌شود این شبکه

ظهور شبکه گُردزبان «روداو» و تمرکز رفتاری آن بر موضوعات فرهنگی مورد اقبال نسبی در میان مناطق گُردنشین مرزهای غربی کشور و به ویژه اقشار فرهنگی، هنری این مناطق قرار گرفته است

آغاز فعالیت شبکه
جدیدی به نام «اهوازنا»
در حوزه شبکه‌های
قومی و رفتار این رسانه
در راستای تحرکات
تجزیه‌طلبانه در جنوب
کشور، اتفاق جدیدی در
تلاش‌های تفرقه‌افکنانه
بدخواهان علیه جمهوری
اسلامی به شمار می‌رود

تحت هدایت و حمایت آیت‌الله جزایری، امام جمعه اهواز قرار دارد. سویا حُسن نیت موجود در راه‌اندازی این شبکه، از آنجا که فعالیت این شبکه را نمی‌توان در ردیف فعالیت‌های مجاز رسانه‌ای در داخل کشور برشمرد، تداوم فعالیت آن رویدادی در راستای ترویج نابسامانی و آشفتگی‌های رسانه‌ای در فضای ماهواره‌ای به شمار می‌رود.

ظهور نشانه شبکه‌ای با عنوان «کمیل»^۱ بر روی فرکانس ماهواره هات‌برد و آغاز فعالیت شبکه‌ای تحت عنوان ابوالفضل العباس^۲ بر شمار شبکه‌های گونه مذهبی افزود. از رفتار و برنامه‌های شبکه ابوالفضل العباس^۳ چنین برداشت می‌شود که این شبکه نیز وابسته به چند شبکه افراطی به ظاهر شیعی است که از عنوان ائمه و خاندان عصمت و طهارت سوء استفاده می‌کنند. در حالی که انتظار می‌رود جریان‌هایی که از عناوین شیعی استفاده می‌نمایند، در راستای تقویت وحدت و هم‌گرایی مسلمین حرکت کنند، رفتار آنها حکایت از آن دارد که ضمن تفرقه‌افکنی، بدنامی و اسباب وهن شیعه را نیز فراهم می‌سازند.

نکته بارز دیگری که در رفتار شبکه‌های مذهبی افراطی سنی جلوه دارد، حمایت آنها از رفتار و حتی جنایت‌های گروه‌های تروریستی معارض در سوریه و استفاده از هر بهانه‌ای در مخالفت با دولت بشار اسد و به همین بهانه، حمله به جمهوری اسلامی به دلیل حمایت از دولت این کشور می‌باشد.

نمونه‌ای دیگر از ترویج آشفتگی رسانه‌ای، ظهور گونه نوینی تحت عنوان «ورزشی» با منشاء داخل یا خارج از کشور بود. وجود شبکه «ورزشی جم»^۴ در میان مجموعه شبکه‌های وابسته به گروه جم و فعالیت شبکه دیگری با نام «تلویزیون ورزشی»^۵ از مردادماه را می‌توان از جمله مصادیق با منشاء خارجی دانست.

ظهور شبکه‌ای تحت حمایت باشگاه ورزشی پرسپولیس تنها نمونه با منشاء داخل کشور بود که با همین عنوان در فضای ماهواره‌ای قرار گرفت. پخش نماهنگ‌های غیرمجاز و مبتذل از جمله نکات قابل توجه در رفتار این شبکه بود. این مسأله از این وجه اهمیت پیدا می‌کند که بودجه این باشگاه دولتی و مدیرعامل آن - هنگام راه‌اندازی - شخصیتی است که از مسئولیت‌های مختلف حکومتی و دولتی برخوردار بوده و به عنوان چهره ریشه‌دار انقلابی شناخته می‌شود. با توجه به نقش و حمایت بابک زنجانی و افشای تخلفات اقتصادی او، در شرایط فعلی نشانه‌ای از تداوم فعالیت این شبکه وجود ندارد.

نظر به رفتاری که در مدت کوتاه فعالیت شبکه پرسپولیس^۶ بروز یافت، آنچه اهمیت

1. Komail
2. Gem Sport
3. Phizique TV
4. Perspolis

پیدا می‌کند این است که گرایش باشگاه‌های ورزشی داخل کشور به راه‌اندازی شبکه‌های ماهواره‌ای می‌تواند عوارض منفی و زیان‌باری در فضای رسانه‌ای و فرهنگی کشور به بار آورد. تنوع و افزایش گونه‌ای شبکه‌های ماهواره‌ای، در عرصه‌های دیگر نیز مشاهده شد. برای نمونه، به نظر می‌رسد موضوع مهاجرت در حال تبدیل شدن به گونه‌ای جدید در این عرصه است. ظهور شبکه‌ای با نام «ایران بی مرز»^۱ به مدیریت فردی به نام رامین دل‌آوری که از کارشناسان مهاجرت در آمریکا است و در ساعات مختلف به ارائه مشاوره و راهنمایی به مهاجران یا متقاضیان مهاجرت می‌پردازد، از اولین نشانه‌های بروز این گونه است. اگرچه پیش‌بینی می‌شود این گونه از شبکه‌ها تداوم و گسترش قابل ملاحظه‌ای پیدا نخواهند کرد، اما از یک سو حکایت از وجود تقاضای قابل توجه در زمینه مهاجرت دارد و از سوی دیگر، نگرانی‌های موجود در افزایش مهاجرت، به عنوان موضوعی با عوارض فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی را تقویت می‌نماید.

شبکه‌های کودک‌محور، یکی دیگر از گونه‌های جدید در نوسان هستند. در حالی که شبکه «پرشین تون»^۲ پیش از این فعالیت خود در این عرصه را آغاز کرده بود و زمزمه‌های متعددی مبنی بر قصد راه‌اندازی شبکه‌های جدید با موضوع کودک و نوجوان شنیده می‌شود، شبکه‌ای با عنوان «قاصدک»^۳ در این عرصه آغاز به فعالیت کرد که در مجموع، عمر آن به سه ماه نرسید و در آبان‌ماه فعالیت خود را متوقف ساخت.

تنوع، نوسان و تغییرات در شبکه‌های ضد فرهنگی، به عنوان پرشمارترین و پرمخاطب‌ترین گونه همچون گذشته تداوم پیدا کرد.

مهم‌ترین اتفاق جانبی که اثر بیشتری را می‌تواند متوجه این دسته از شبکه‌ها کند، راه‌اندازی ماهواره «یاه ست»^۴ است. این ماهواره به منظور جلب مشتری، امتیازاتی برای شبکه‌های ماهواره‌ای فارسی‌زبان قائل شده و علاوه بر اخذ هزینه کم‌تر، امواج آنان را با قدرت بالاتری و بدون تداخل در دریافت ارسال می‌نماید. این امتیاز باعث شد به تدریج شماری از شبکه‌های ضد فرهنگی در این ماهواره حاضر شوند که از جمله آنها مواردی از شبکه‌های وابسته به گروه جِم، فارسی ۱ و «تلویزیون پرشیا» را می‌توان نام برد.

گروه شبکه‌های «جِم» که پس از برخوردهای صورت گرفته با عوامل آن در سال گذشته

گروه شبکه‌های «جِم»
که پس از برخوردهای
صورت گرفته با عوامل آن
در سال گذشته دچار افول
نسبی شده بود، با افزودن
شبکه‌ای به نام «تلویزیون
پرین» به مجموعه خود
و پخش فیلم و سریال
با دوبله فارسی سعی در
احیای جایگاه از دست
رفته خود نمود

1. Iran B Marz
2. Persian Toon
3. Ghasedak
4. Yah Sat
5. Persian TV

همچون سال‌های گذشته، رسانه‌های تحت حمایت انگلیس در درجه بالاتری از تأثیرگذاری رسانه‌ای و تخریب علیه جمهوری اسلامی قرار دارند

دچار افول نسبی شده بود، با افزودن شبکه‌ای به نام «تلویزیون پرین^۱» به مجموعه خود و پخش فیلم و سریال با دوبله فارسی سعی در احیای جایگاه از دست رفته خود نمود. تداوم این روند با افزایش شبکه‌ای دیگر با عنوان «جَم بالیوود^۲» ادامه یافت و بنا بر اخبار منتشره، با افزایش شبکه اختصاصی غذا^۳ در آینده تقویت خواهد شد. شبکه دیگری با نام اختصاری PTV و در زمینه پخش نماهنگ‌های خوانندگان قدیمی ایرانی فعالیت خود را آغاز کرده است.

راه‌اندازی سه شبکه از سوی شرکت «تریبل ای^۴» با گرایش‌های «خانواده^۵»، «موسیقی^۶» و «ورزش^۷» از جمله رخدادهای قابل توجه در این عرصه بود. شبکه خانواده این گروه با پخش فیلم و سریال‌های جدید در رقابتی جدید با شبکه «فارسی^۸» قرار گرفت و پس از مدت کوتاهی توانست جایگاه نسبی مناسبی در میان بینندگان شبکه‌های ماهواره‌ای به دست آورد.

تب و رقابت نمایش فیلم و سریال با دوبله ایرانی در میان شبکه‌هایی که از پشتوانه مالی بهتری برخوردارند، بالا گرفت. انتخاب سریال‌ها در ابتدای کار معطوف به آثار کلمبیایی، ترکیه‌ای و کره‌ای بود و به تدریج گرایش به آثار امریکایی ایجاد شد. در این میان، شبکه فارسی ۱ که با حضور گروه شبکه‌های جَم و تریبل ای شماری از بینندگان خود را از دست داده بود، با ارائه آثار جدید در صدد برآمد افت مخاطب خود را جبران نماید. آنچه در این بین مهم به نظر می‌رسد، پیامدهای اجتماعی-فرهنگی این آثار در میان بینندگان داخلی و عوارض سوئی است که به طور معمول متوجه نهاد خانواده می‌شود. بنا بر برخی اخبار و اظهار نظرهای رسانه‌ای و کارشناسی، ریشه شماری از دعاوی و اختلافات خانودگی در مراجع قضایی ناشی از تغییرات نگرشی و رفتاری متأثر از فیلم‌ها و سریال‌های این قبیل شبکه‌هاست.

بنا بر نظرسنجی انجام‌شده، میزان اقبال بینندگان شبکه‌های ماهواره‌ای در داخل کشور نسبت به شش شبکه بیشتر بوده است. در این میان، شبکه «من و تو» با ۷۵ درصد، بیشترین سهم مخاطب را به خود اختصاص داده و پس از آن، شبکه‌های جَم با ۵۹ درصد، BBC فارسی با ۵۲ درصد، PMC^۹ با حدود ۵۰ درصد، VOA با ۳۶ درصد و تریبل ای خانوادگی با ۲۳

1. Parin TV
2. Gem Ballywood
3. Gem Food
4. AAA
5. AAA Family
6. AAA Music
7. AAA Sport
8. Farsi 1
9. Persian Music Chanel

درصد، در مراتب بعدی قرار دارند. از جمله نکات مستتر در ارقام بالا، جذب مخاطب نسبی در تلفیقی از شبکه‌های خبری و ضد فرهنگی و عدم اقبال بالا نسبت به شبکه‌های سیاسی ضد انقلاب و شبکه‌های قومی- مذهبی است. البته، به نظر می‌رسد میزان استقبال نسبت به برخی شبکه‌های قومی در برخی مناطق هم‌زبان در نوار مرزی کشور تا حدودی قابل اعتنا باشد. در مجموع، عملکرد شبکه‌های ماهواره‌ای فارسی‌زبان را می‌توان در راستای هجوم نرم علیه کشورمان ارزیابی نمود. تنوع گونه‌های شبکه‌ای و رو به فزونی نهادن آنها نمادی از همه‌جانبه بودن این هجوم است. به نظر می‌رسد ظرفیت‌های متنوع و قدرت اثرگذاری بالای رسانه در دنیای امروز، در کنار احساس نیاز و گرایش روزافزون جوامع به رسانه‌ها (در ابعاد واقعی و کاذب آن) موجب شده عرصه رسانه به یکی از مهم‌ترین صحنه‌های رقابت و قدرت‌نمایی در جهان امروز تبدیل شود.

برآورد مقایسه‌ای

تداوم روش‌های تخریبی و هماهنگی بین رسانه‌های خبری و سرمایه‌گذاری جدی بر روی انتخابات یازدهمین دوره ریاست جمهوری، یکی از نکات قابل توجه در سال ۹۲ نسبت به سال قبل می‌باشد. به نظر می‌رسد در همین راستا رفتار رسانه‌های بررسی‌شده، نقش و سهم تعیین‌شده آنان در فرآیند برنامه‌های بیگانگان علیه جمهوری اسلامی را تبیین می‌نماید. مصادیق این وضع در فرآیند مذاکرات هسته‌ای و مراحل اعمال تحریم‌های بین‌المللی همچون سال ۹۱ مشهود بود. یکی از تفاوت‌های عمده در سال ۹۲ نسبت به سال قبل، تغییر دولت در میانه‌های سال و رفع برخی بهانه‌ها علیه جمهوری اسلامی بود که معمولاً از سوی این رسانه‌ها دستاویز تهاجمات و فشارهای رسانه‌ای قرار می‌گرفت. روی دیگر این وضعیت، تقویت یا ایجاد برخی توقعات در نتیجه روی کار آمدن دولت جدید بود که این رسانه‌ها در زمینه‌سازی، هدایت یا دامن‌زدن به آنها پراثر بودند. مسایلی مثل رفع حصر از سران فتنه، آزادی زندانیان سیاسی، تغییر برخی سیاست‌ها در عرصه‌های مختلف سیاسی، فرهنگی و اجتماعی، در این چارچوب قرار داشت. تقویت دو رویکرد «نمایش فیلم و سریال‌های دوبله‌شده خارجی» و «ارائه مجموعه شبکه‌های متنوع» (مثل جم و تریل ای)، که به نظر می‌رسد در جذب مخاطب توفیق نسبی بیشتری داشته، از جمله نکات بارز رفتار رسانه‌ای در این عرصه نسبت به گذشته است. همچون سال‌های گذشته، رسانه‌های تحت حمایت انگلیس در درجه بالاتری از تأثیرگذاری رسانه‌ای و تخریب علیه جمهوری اسلامی قرار دارند. کما اینکه در ارقام ارائه‌شده از شش شبکه دارای اقبال بیشتر، سه شبکه دارای رتبه بالاتر به طور مستقیم یا غیرمستقیم از حمایت این کشور برخوردارند. حمایت آشکار شبکه‌های افراطی مذهبی از تروریست‌های

معارض سوری، یکی از مهم‌ترین رویدادهای رسانه‌ای بود که کم‌تر پیش‌بینی می‌شد و چون از منظر حرفه‌ای مغایر با اصول رسانه‌ای است، به عنوان موضوعی کم‌نظیر به شمار می‌رود. شاید بتوان این اتفاق را رویکرد جدیدی از هماهنگی همه‌جانبه جبهه رسانه‌ای علیه جمهوری اسلامی دانست که مدیران شبکه‌های افراط‌گرای مذهبی به ناشیانه‌ترین وجه آن را به اجرا درآوردند. همچنین، تماس و مصاحبه رسانه‌ای شبکه‌های فارسی‌زبان با افراد شاخص در داخل کشور که از جایگاه و موقعیت اجتماعی ویژه‌ای برخوردار هستند نیز در سال ۹۲ به شدت افزایش یافت. وکلا، چهره‌های ورزشی، هنرمندان، نویسندگان و چهره‌های سیاسی منتقد و معارض از این جمله بودند.

چشم‌انداز ۱۳۹۳

نظر به امتیازهای ویژه‌ای که ماهواره تازه‌تأسیس «پناه» برای جذب شبکه‌های فارسی‌زبان قرار داده، احتمال افزایش شمار شبکه‌های فارسی‌زبان بر روی این ماهواره و تمرکز تهدیدات رسانه‌ای علیه کشور بر روی این ماهواره متصور است. چون سهم اصلی مالکیت این ماهواره با شرکت‌های اماراتی است، ماهواره مذکور می‌تواند ابزار قدرتی برای امارات متحده عربی در قبال جمهوری اسلامی شود و در چانه‌زنی‌های متقابل اثرگذار باشد. فقدان مدیریت مناسب در برخورد با همکاران و تبلیغ‌کنندگان در شبکه‌های ماهواره‌ای کماکان به عنوان چالش مهم اما مورد کم‌توجهی مسئولین پابرجا خواهد بود. یکی از ابعاد قابل اعتنا در این حوزه، خروج سرمایه از کشور در قبال کالا و خدمات تبلیغی داخل کشور است.

هماهنگی در رفتار و تنوع در محصولات و شبکه‌ها، در آینده نیز همچنان تداوم خواهد داشت تا افزایش ضریب تأثیرگذاری و طیف گسترده‌تری از مخاطبان را به دنبال داشته باشد. با توجه به تغییرات سیاسی در داخل کشور و در صورت پیشرفت توافقات طرفین در مذاکرات هسته‌ای، احتمال تمرکز بیشتر رسانه‌ای بر موضوعات حقوق بشری، حقوق شهروندی و مانند آنها افزایش خواهد یافت. اجرای مرحله جدید قانون هدفمندی یارانه‌ها و حواشی آن، از جمله دیگر موضوعاتی است که مورد بهره‌برداری شبکه‌های ماهواره‌ای به ویژه در گونه‌های خبری و سیاسی قرار خواهد گرفت. همچنین، عملکرد دولت یازدهم و برجسته کردن نقاط ضعف و ناکارآمدی آن، اختلاف‌های داخلی و درون‌حاکمیتی، تحریک اقوام و اهل سنت و تبلیغ ادیان و فرق ضالّه، از دیگر رویکردهای این شبکه‌ها در بعد سیاسی خواهد بود.